

بیانات رفیق مبارز عبدالله حسن زاده

در مراسم ویژه‌ای در پارلمان فرانسه که به مناسبت دهمین سالگرد شهادت زنده یاد دکتر صادق شرفکندی و یارانش برگزار شد

خانها و آقایان!

میهمانان گرامی!

به نام خود و به نمایندگی از طرف حزب دمکرات کردستان ایران به شما خوشامد می‌گویم و سپاسگزارم از اینکه قبول زحمت فرموده در مراسم یادبود زنده‌یاد دکتر صادق شرفکندی و یارانش شرکت کرده‌اید. شرکت شما عزیزان در این مراسم احترام گذاشتن به تلاش و مبارزات شهادی هفدهم سپتامبر ۱۹۹۲ در برلن و آرمانهای والایی است که این عزیزان در راه تحقق آنها جان باختند. کما اینکه در عین حال بیانگر همدردی و حمایت شما از حزب دمکرات کردستان ایران و هم‌زمان شهادی برلن است.

در هفدهم سپتامبر ۱۹۹۲ تروریسم جمهوری اسلامی در رستوران میکونوس شهر برلین دکتر صادق شرفکندی رهبر شایسته حزب دمکرات کردستان ایران را همراه با رفیق فتاح عبدلی عضو برجسته کمیته مرکزی و نماینده حزب در خارج از کشور، همایون اردلان کادر فعال و نماینده حزب در آلمان و نوری دهکردی از دوستان حزب و عضو فعال اپوزیسیون ایرانی به شهادت رساند.

این رویداد ضربه جانکاهی بر پیکر حزب دمکرات کردستان ایران بود، زیرا تنها سه سال و چند ماه قبل از آن نیز رهبر فرزانه حزب دکتر عبدالرحمان قاسملو همراه رفیق عبدالله قادری آذر عضو کمیته مرکزی و یکی از دوستان حزب به نام دکتر فاضل رسول در شهر وین اتریش به دست تروریستهای وابسته به جمهوری اسلامی به شهادت رسیده بود. در آنموقع تروریستها را لباس دیپلمات پوشانده و تحت عنوان مذاکره درباره راه حل مسأله کرد در کردستان ایران روانه اتریش کرده بودند تا دکتر قاسملو را به دام بیاندازند و با اغتنام فرصت او را از میان بردارند. تکرار حادثه، تلخی مضاعفی به ترور هفدهم سپتامبر ۹۲ برلین بخشیده بود.

اگر دکتر قاسملو بخاطر تحقق آرمان مقدس حل مسأله کرد در ایران به اتریش سفر کرد و به دام تروریستهای حرفه‌ای جمهوری اسلامی افتاد، دکتر شرفکندی نیز در جلسه رستوران میکونوس آرمان مقدسی را دنبال می‌کرد. سعی دکتر شرفکندی بر این بود که تا سر حد امکان صفوف اپوزیسیون ایرانی را در مبارزه بخاطر حذف دیکتاتوری ولایت فقیه و استقرار آزادی و دمکراسی در کشور متحد سازد. با کمال تأسف، از آنجا که قدرت حاکم در کشور ما با همه آرمانهای انسانی در ستیز است هیچیک از آنها در تحقق اهداف مورد نظر توفیقی حاصل نکردند و تنها افتخاری که نصیبشان شد این بود که جانشان را در راه آرمانشان نثار کردند.

دکتر شرفکندی تحصیلکرده فرانسه بود. او بالاترین مدرک تحصیلی را در رشته شیمی تجزیه از دانشگاه پاریس گرفته بود. وی با زبان و فرهنگ فرانسوی آشنایی داشت، و رابطه وسیعی با شخصیت‌های علمی و فرهنگی و اجتماعی این کشور برقرار کرده بود. رفیق فتاح عبدلی نیز اگر چه مدتی طولانی در فرانسه زندگی نکرده بود، منتها سریعاً زبان فرانسه را یاد گرفت و موفقانه جایی برای خودش در بین محافل فرانسوی باز کرد. بویژه با سیاستمداران و دیپلمات‌ها و شخصیت‌های سرشناس این کشور روابط وسیعی برقرار کرد. هر دوی این عزیزان روابط مستحکمی نیز با محافل سیاسی کرد و ایرانی داشتند که بعد دیگری به نقش مبارزاتی آنان بخشیده بود. حضور این جمع وسیع از نجبگان فرانسوی و ایرانی و کرد در مراسم یادبود ایشان گواهی بر صحت مدعاست.

دوستان ارجمند!

هدف سران جمهوری اسلامی از ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران تنها حذف فیزیکی آنها نبود. آنان هدف ضد انسانی بسیار فراتری را دنبال می‌کردند. می‌خواستند از کانال اقدام به این جنایتهای تروریستی، حزب دمکرات کردستان ایران و جنبش حق‌طلبانه خلق کرد را از میان بردارند و مردم کردستان را به زانو درآورند. لیکن خوشبختانه آنها در تحلیل خویش راه خطا رفته بودند و از این رو در تحقق اهداف نامشروع خویش ناکام ماندند. شاگردان و رهروان راه شهدا قاضی محمد، دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی با ادامه راه این بزرگان و به کار بستن درسها و آموزه‌های آنان، با همبستگی و اتکاء به توده‌های مردم کردستان و با استفاده از حمایت طرفداران آزادی و عدالت در ایران و خارج از ایران توانستند هر دوی این حوادث ناگوار را از سر بگذرانند و جای خالی رهبران شهیدشان را در صفوف خود پر کنند. اینجاست که ده سال بعد از شهادت هر دوی این رهبران گرانقدر، حزب ما همچنان پرچمدار میدان مبارزه و خاری در چشم دشمنان آزادی است.

عزیزان!

اگر خون دکتر قاسملو و یارانش در وین متأسفانه به پای زد و بندهای سیاسی و منافع اقتصادی و بازرگانی قربانی شد، خوشبختانه در اثر سعی و تلاش مسئولاننه دستگاه قضایی آلمان و پلیس آن کشور رد پای قاتلان دکتر شرفکندی و یارانش تا دفتر کار عالیترین مقامات جمهوری اسلامی و در رأس آنها رئیس جمهور و به اصطلاح رهبر مذهبی دنبال شد و بدینسان طبل رسوایی یکایک سردمداران رژیم در ایران و سراسر جهان به صدا درآمد. صدور حکم تاریخی دادگاه برلین که به نام دادگاه میکونوس شهرت یافت برای حزب دمکرات، جنبش آزادیخواهان سراسر ایران و همه طرفداران حق و عدالت پیروزی بزرگی بود. این پیروزی به دست نمی‌آمد اگر عزم مصمم دادستان و رئیس قضات دادگاه میکونوس و کلای خانواده شهدای برلین با تلاش و کوشش و کار افشاگرانه بسیاری از شخصیت‌های کرد و ایرانی و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون ایران دست به دست هم نمی‌داد. لذا فرصت را غنیمت می‌شمارم و در این اقتضا یک بار دیگر مراتب تشکر و قدردانی خود و حزب متبوع خود را به همه این عزیزان تقدیم می‌دارم و موفقیت بیشتر آنان را در خدمت به پیشبرد حق و عدالت آرزو می‌کنم.

اگر چه رسوایی جمهوری اسلامی در پیشگاه افکار عمومی بین‌المللی خود دستاورد ذیقیمتی بود، با اینحال نباید فراموش کرد که سران رژیم و بطور کلی قدرت حاکمه در ایران تاکنون به کیفر این جنایات و صدها جنایت از این دست نرسیده‌اند. این درست که دولتهای عضو اتحادیه اروپا بعد از صدور حکم دادگاه میکونوس سفرای خویش را از ایران فرا خواندند. اما چنانکه همگان شاهد بودند دیری نگذشت که بخاطر زد و بندهای کاسبکارانه آنها از آسیاب افتاد، همه چیز به حالت عادی بازگشت و مسأله کلا بدست فراموشی سپرده شد.

حال وظیفه کلیه احزاب، سازمانها و شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون ایرانی است که دست در دست هم بکشند سران جمهوری اسلامی را به کیفر همه جنایتهایی که ظرف ۲۴ سال گذشته مرتکب شده‌اند، برسانند. ناگفته پیداست که انتقام خونهای قاسملو، شرفکندی، بختیار، رجوی، برومند، فروهرها، سعید سیرجانی، مختاری، پوینده و صدها و هزاران تن دیگر از نخبگان مردم ایران که به دست تیمهای ترور، یا توسط جوخه‌های اعدام، یا ضمن قتل عام زندانیان سیاسی و یا طی کشتار دستجمعی مردم شهرها و روستاهای کردستان به شهادت رسیده‌اند، دستگیری، محاکمه و مجازات مهره‌هایی از ماشین ترور و آدمکشی جمهوری اسلامی نیست. خون این فرزندگان بس گرانبهار از آن است که در کفه ترازوی شماری زالوی به خون تشنه گذاشته شود، هر چند که نامهای دهن پرکن و عوامفریب تا حد نماینده خدا در زمین را یدک بکشند. انتقام شهدای دست ستمکاری تنها موقعی گرفته خواهد شد که با همت و کوشش همه ایرانیان و با حمایت طرفداران آزادی در سراسر جهان، رژیم جمهوری اسلامی از میان برداشته شده و به جای آن یک حکومت دمکرات و مردمی برقرار شده باشد که به خواسته‌های عادلانه تمامی اقشار و طبقات مردمی و همه خلقهای تحت ستم ایران پاسخ مثبت بدهد. آزادی، تنها خونبهای شهدای راه آزادی است.

حضر محترم!

در آخرین قسمت عرایضم توجه شما را بسوی این واقعیت جلب می‌کنم که در هفته‌های قبل و بعد از سالگرد ترور دکتر شرفکندی و یارانش، جمهوری اسلامی موج تازه‌ای از ترور و وحشت علیه مردم کردستان براه انداخته است که همچنان ادامه دارد. قریب دو ماه پیش در شهر بانه دو نفر در شهر اربیل کردستان عراق يك نفر و در کشور نروژ یکی دیگر از اعضای حزب دمکرات را ترور کرد. حدود يك ماه پیش در منطقه مه‌آباد نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی شماری از کاسبکاران را به گلوله بستند، ۳ تن از آنان را کشته و شماری دیگر را زخمی ساختند. و در این اواخر در زندانهای تبریز، ارومیه و سنندج چهار تن از مبارزان حزب دمکرات کردستان ایران را اعدام کرده‌اند. از آنجا که دولت ایران هیچ وقت خبر چنین اعدامهایی را اعلام نمی‌کند و خانواده‌های قربانیان را شدیداً تحت فشار قرار می‌دهد که عزیزان خود را به دور از انظار مردم به خاک بسپارند و از برگزاری مراسم فاتحه و مجالس ترحیم نیز خودداری ورزند، ما شدیداً نگرانیم که شمار اعدام شدگان از این هم فراتر باشد.

بدینوسیله از شما و همه انسانهای شریف و از همه محافل طرفدار آزادی و حقوق بشر تقاضا می‌کنیم از هر طریق ممکن جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند تا به اعدام و شکنجه آزادیخواهان ایرانی خاتمه دهد. باین امید که به رژیم آدمکش و تروریست پرور جمهوری اسلامی اجازه داده نشود بیش از این با حیات و سرنوشت ایرانیان بازی نماید. يك بار دیگر از شما بخاطر حضورتان در این مراسم تشکر می‌کنم، زنده باشید.

پاریس، ۲۳ اکتبر ۲۰۰۲